

دادگاههای اطفال

در حقوق جزائی فرانسه

بر آن است و از طرف دیگر چون قرار مزبور جنبه موقتی دارد با تشریفاتی که برای مرحله پژوهش قانون قائل شده است پژوهش خواهی از آن فایده عملی را دربر ندارد .

نسمت سوم

اقدامات قطعی

۴۰- دامنه اختیارات دادگاههای جزائی

فقط دادگاههای استان و دادگاه جنائی صالحند که بطور قطعی راجع بسپردن طفل و بشخص یا مؤسسه و حفظ او اقدام نمایند . قانون ۱۹ آوریل ۱۸۹۸ ماده ۵۰ و از این اختیار وقتیه میتوان استفاده کنند که راجع بتعقیب طفل حکمی داده باشند دادرسی جزائی موقعی ممکن است راجع بسپردن و حفظ صغیر تصمیم اتخاذ نماید که طفل را گناهکار بشناسد دادگاه استان ممکن است حفظ صغیر را به شخص معین یا بیک بنگاه معینی تفویض نماید و این در صورتیست که دادستان بدری راجع بآن قسمت تصمیمی نگرفته باشند و برای اتخاذ این تصمیم تفارقی نمیکند که کدام طرف تقاضای پژوهش کرده باشد و این اصل که سرنوشت و بار پژوهش خواه بایستی بعلت تقاضای پژوهش خود تشدید شود در این مقام جاری نیست زیرا این مسئله که عبارت از حفظ صغیر باشد یک مجازاتی محسوب نمیشود بلکه اقدامی است برای حمایت صغیر و حفظ او .

۴۱- چطور بایستی رسیدگی نمود

ماده ۵ چنین بیان میکند که دادگاههای شهرستان و استان رسیدگی مینمایند و کسب نظر بدادستان هم خواهد

۳۸- اثر قرار تسلیم صغیر که بازیرس تصمیم گرفته است اثر موقتی دارد و در موارد ذیل لاغی الاثر است :
۱- وقتیکه بازیرس قرار منع تعقیب صادر مینماید
۲- وقتیکه حکم صادر شود و قطعی شده باشد .

۳۹- شکایت از قرار صادره

قرار صادره بازیرس قابل اعتراض است این حق اعتراض با اقوام صغیر نادرجه پنجم داده شده بقیه و ناظر صغیر نیز داده شده است دادستان نیز از این حق استفاده میکند از کلمه اقوام بایستی چنین استفاده کرد که اقربای نسبی را هم شامل است بلکه مقصود اقربای نسبی است برای این اعتراض مهلتی مقرر نشده است بنابر این مادام که قرار دارای آثار خود باشد میتوان اعتراض تقدیم داشت راجع به صورت ظاهری اعتراض و تشریفات آن ماده ۴ چنین بیان میکند «اعتراض در مدت کوتاهی بدادگاه داده میشود که دادگاه در جلسه اداری رسیدگی خواهد کرد و بانقضای آن ساد است این اعتراض صورت وقوع پیدا میکند پس کافی است که معترض تقاضای خود را بر رئیس دادگاه بدهد و یا آنکه بوسیله وکیل یا نماینده خود تسلیم نماید رئیس دادگاه آنرا بدادستان شهرستان ابلاغ مینماید و پس از کسب توضیحات از معترض و دادستان در جلسه اداری مزبور رأی خود را صادر مینماید در سکوت قانون بایستی گرفت که درخواست اعتراض روی کاغذ نمبر شده تهیه و تسلیم میشود چنین فرض میشود که رأی دادگاه قابل پژوهش نیست زیرا از طرفی از ظاهر ماده چهارم چنین برمیآید که تنها طریق شکایت از قرار اعتراض

دارد راجع برضایت دادن با ازدواج و مسائل مربوطه نظام وظیفه دخالت نماید و در این دو قسمت اختیار اتش سلب نمیشود راجع بحق تأدیب طفل با آنکه انتظار میرفت که ماده ۵ قانون تکلیف آنرا صریحاً معین کرده باشد و نمیتوان گفت که قانون تلویحاً از پدر این اختیار را سلب کرده است و بشخصی که حفظ طفل بعهده او واگذار شده است داده شده نص خاصی در این باب لازم بود که موضوع را کاملاً تشریح نماید قانون حدی هم برای تربیت طفل معین نکرده است این مدت بنا بر این تا محدود است و آثار آن تا کبر طفل باقی است و دادگاه می تواند در صورت اقتضا تا سن کمتری خاتمه آنرا تعیین نماید

۴۳- مرجع شکایت از این تصمیم

رایبکه راجع بمجازات طفل صادر میشود در همان رأی راجع بحفظ طفل نیز تصمیم گرفته میشود بنا بر این ممکن است تمام اشخاصی که حق تقاضای پز و هوش دارند و ذینفع میباشند اعمال گردد.

ش. امیر علائی

بابان

شد اما آئین رسیدگی و طبقه آنرا تعیین نمینماید در سکوت قانون بایستی چنین نظر گرفت که دادگاه شهرستان یا دادگاه استان میتواند راجع بحفظ صغیر اقدام نمایند یعنی این موضوع فرع محاکمه در باب اصل اتهام محسوب میگردد و تشریفات خاصی را در بر ندارد و لازم نیست قبلاً اشخاصی که سلب اختیارات از آنها میشود احضار شوند یا همچنین اشخاصی که این اختیارات بآنان تفویض میگردد نیز دعوت شوند.

۴۲- آثار تصمیم دادگاه

بدواً باید شرح داد که سیردن طفل و حفظ مشارالیه اولین اثرش آن است که اختیارات پدر خانواده را محدود مینماید و اختیارات پدر فقط راجع بطفلی که گناهکار شناخته میشود سلب میگردد ولی راجع با اولادان دیگرش باقی میماند حال باید دانست حقوق و امتیازاتی که برای حفظ صغیر پیش بینی شده است چیست؟ چه امتیازاتی بشخص یا بشگاهی که متصدی این کار است داده میشود. مقنن در این باب فراموش کرده است چیزی بگوید ولی با وجود سکوت قانون بایستی چنین نتیجه گرفت که اختیار حفظ طفل حق تربیت را در بر دارد و با وجود سلب اختیارات پدر معهداً مشارالیه حق

ولگردی و گدائی

در حقوق جزائی فرانسه

قسمت اول

ولگردی

۱- عناصر تشکیل دهنده گناه

ولگردی جزء گناهایی که عمد و قصد لازم دارد احصا نشده است و مادام که سه شرط ذیل که در ماده ۲۷۰ به آن اشاره شده است جمع شد گناه واقع میشود بایستی اولاً متهم محل اقامت معینی نداشته باشد ثانیاً وسیله زندگانی هم نداشته باشد ثالثاً معمولاً و عادتاً اشتغال بشغل و کاری نداشته باشد.

۲- دوره که در آن دوره عناصر مزبور بایستی جمع شوند

بدیهی است که نمیتوان کسی که چند روزی واجد شرایط مزبور باشد ولگرد محسوب داشت تشخیص اینکه چه شخصی ولگرد است بمشخیص داوران و آگذار شده است برای تشخیص این مطلب قاعده ثابتی را نباید ملحوظ داشت بلکه بایستی جهاتی را از قبیل گذشته متهم. عادات متهم و اوضاع و احوال قضیه در نظر گرفت و سپس تشخیص داد که گناه موجود است یا خیر؟

ش. امیر علائی

نا تمام